



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

یکشنبه ۱۰ جولای ۲۰۲۲

حمید انوری

## از پروژۀ "ماسکو" تا پروژۀ "نبراسکا"

هموطنی نه بُرده و نه آورده، باری از خواب گران سر بدر آورده و بعد از چهل و اندی سال کشتار و در به دری و آوارگی و...، مینویسد که "افغان کشی" و کشتن افغانها توسط یک دیگر و...، یک پروژۀ طویل المدتی بوده است که طرح آن دهه ها قبل در ایالت "نبراسکا" در امریکا گذاشته شده بوده است و از همان زمان تا هم اکنون، همان پروژۀ بصورت سیستماتیک در افغانستان به منصه اجرا گذاشته شده و می شود هنوز و... د نبراسکا پروژۀ او ز مور وینی، اما این هموطن در همین نوشته متذکره خود که بعد از چهل و اندی سال بدان دست یافته است و هموطنان را از آن پروژۀ آگاه می سازد، در هیچ کجای مضمون شان از نقش "روسیه" و پروژۀ "ماسکو" و کودتای منحوس ثور و تجاوز بی شرمانه روس بر افغانستان، یادی نکرده و از آنهمه جرم و جنایت و قتل و کشتار و خیانت و رزالت و بربریت و ددمنشی و تجاوز و...، و نیز از گماشتگان روس در افغانستان (باند های منفور خلق و پرچم)، یادی نکرده و از آنها با سادگی میگذرد، تو گوئی که آن جنایات و کشتار و قتل و غارت و خونریزی و ددمنشی و کشتن افغان توسط افغان در بعد از کودتای ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷، و تجاوز بی شرمانه و ددمنشانه روسیه به افغانستان، هرگز اتفاق نیفتاده است و در آن دوره های سیه و شوم و خونین و ننگین، دنیا گل و گلزار بوده است و آب از آب تکان نخورده است و...

قبول میکنیم و درست است که "پروژۀ نبراسکا" در اینهمه کشتار و بربریت دست داشته است، اما تجاوز روس بر افغانستان و "پروژۀ ماسکو" نیز از زمان تزار های روسیه تا امروز ادامه داشته است و بانیان و حامیان آن در کشور به خاک و خون کشیده ما هم یک مشت خلقی و پرچمی شرف باخته و وجدان مرده بوده اند و کودتای ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ نیز در اثر همان "پروژۀ ماسکو" و به دستور مستقیم کریملین نشینان صورت پذیرفته است و در قتل عام افغانها نیز در چهل و اندی

سال پسین، روسها بصورت مستقیم یا غیر مستقیم دست دارند و نمی شود از آن چشم پوشید و آنرا به فراموشی سپرد یا هم آنرا کتمان نمود. روسیه کنونی که علم بردار روسیه شوروی مرده است، هنوز هم پس از چهل و اندی سال مشغول توسعه طلبی، تجاوزگری، قتل و کشتار و خونریزی و ددمنشی است و فقط جای برژنیف مردار شده را، پوتین دیوانه گرفته است.

این هموطن می نویسد: "... افغانی تولنه د انسانوژنی په وړاندې همداسې بې تفاوته شوي ده، دا بې تفاوتی له دیني توجیه (جهاد) څخه سرچینه اخلي..."

نه هموطن عزیز اینهمه قتل و کشتار و خونریزی و ددمنشی در کشور ما، محصول "جهاد" نبوده، بلکه محصول مستقیم کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ و تجاوز ننگین نظامی روسیه به افغانستان است. اگر کودتاچیان خلقی و پرچمی به دستور اربابان روسی شان در افغانستان دست به کودتا و خونریزی و کشتار نمی زدند، اگر خلقی ها و پرچمی های شرف باخته و وجدان مرده و میهن فروش و...، دست به کشتار و گیر و گرفت و بگیر و ببند و بگش نمی زدند، اگر زندان های مختلف و متعدد در سرتاسر کشور ایجاد نمی کردند، اگر زندان ها را مملو از هموطنان شریف ما نمی ساختند، اگر ریاست های "تحقیق" و شکنجه گاه های بی شمار به وجود نمی آوردند، اگر پولیگون ها ایجاد نمی کردند، اگر اعدام های دسته جمعی به راه نمی انداختند، اگر گور های دسته جمعی در سرتاسر کشور به وجود نمی آوردند، اگر زنده به گور کردن ها را رائج نمی ساختند، اگر سبب تخریب سیستماتیک افغانستان نمی شدند، اگر باعث آوارگی بیش از پنج میلیون افغان نمی گردیدند، اگر دمار از روزگار مردم مظلوم و بی گناه و بی دفاع افغانستان بدر نمی آوردند، اگر جهت خوش خدمتی به اربابان بی مقدار روسی شان، سرها از تن های پاک هموطنان ما جدا نمی کردند و صد ها و هزاران اگر دیگر...، نه "جهاد" ای ضرورت می افتاد، نه مردم آواره و در به در می شدند و نه خون افغان به دست افغان ریخته می شد، نه تنظیم های متعدد ساخت ایران و پاکستان به وجود می آمدند، نه تنظیم جنگی های وحشتناک در افغانستان صورت می گرفت، نه خبری از ملا و طالب و چلی می بود و نه هم از کرزی و کورزی و غنی و عبدالله و کج کلاه و... می بود و...

پس اگر از وجدان بیدار کار بگیریم و بی غرض و بی مرض بنویسیم و به اصطلاح ریگی در کفش نداشته باشیم و...، باید خدا را حاضر دیده و دست به قلم ببریم. "جهاد" محصول مستقیم کودتای منحوس ثور و تجاوز روسیه بر افغانستان است و "مجاهد" و "طالب" نیز مستقیماً ارتباط دارد به کودتای ننگین ثور و تجاوز بی شرمانه روسیه به افغانستان، اما وجدان بیدار می خواهد که با یادآوری از جنگ و جنایت، عوامل دور و نزدیک هر دو را شرح دهیم و یک چشمه قضاوت نکنیم

و به گفته مشهور "الله و بلا، به گردن ملا" گفته، برف بام خود را بالای بام همسایه بیندازیم و کور خود و بینای مردم باشیم. تمام بدبختی ها، کشتار ها، خونریزی ها، جرم و جنایت و خطا و خیانت و کشتن افغان به دست افغان، همه و همه سرچشمه میگیرد از کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷. آب را از سرچشمه گل آلود ساختند و تا امروز آب ها در کشور ما گل آلود مانده است و مسبب اصلی آن خلقی ها و پرچمی های شرف باخته و وجدان مرده اند و دگر هیچ.

چرا "پروژه ماسکو" را کتمان نموده، می پردازیم به "پروژه نبراسکا"؟

این هموطن ما ادامه میدهند: "... نبراسکا، انگریزانو او پاکستان دا پروژه دپره پخوا، ان په ۱۳۵۲ او ۱۳۵۳ لمريزو کلونو کي راپيل کړې وه..."، ایشان اما نمی گویند و نمی نویسند که "پروژه ماسکو" در مورد افغانستان از سالهای حاکمیت تزار روس، حدود سالهای ۱۷۲۱ و بعد هم از آغاز حاکمیت بلشویک ها ۱۹۱۷ تا امروز ادامه دارد و هر آن بدبختی که افغانها و افغانستان از کودتای منحوس ثور ۱۳۵۷ تا امروز می کشند، از همان "پروژه ماسکو" و توسعه طلبی تزار ها و بعد هم بلشویک های روسی سرچشمه گرفته است، فقط باید چشم بینا و وجدان بیدار داشت و یک جانبه قضاوت نکرد. سیاه را باید سیاه گفت و سپید را سپید، حق و حقیقت را پرده پوشی نمودن، کاریست ناصواب.